

# مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی

شهرداد دارابی<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

علی نجفی توانا<sup>۲</sup>

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۱۶

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۰۹

## چکیده

تأمین امنیت جامعه و شهروندان به عنوان خط مشی اساسی دولت‌ها در مجموعه‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده در قالب سیاست‌های کنترل جرم تبلور می‌یابد. این مهم در جوامع مردم‌سالار که ارزش غالب در سیاست جنایی آن‌ها آزادی است، بیشتر مسبوق به مطالعات علت‌شناختی بزهکاری، به صورت پیشگیری از جرم و راهبرد کمینه‌ای مداخله نظام کیفری در جامعه ظاهر می‌شود، در حالی که در دولت‌های اقتدارگرای فراگیر سرکوبی رفتارها و نظارت همه جانبه بر خلوت و زندگی مردم، راهبرد سیاست جنایی است و پیشگیری موقعیت‌مدار و ترسیم رویکردهای امنیتی به جرم و مجرم با استفاده از عنوان پیشگیری، ابزاری در اختیار پلیس و دستگاه قضایی است. اگر چه ایجاد جامعه امن گام موجب قرابت تدابیر پیشگیرانه دولت‌های مردم‌سالار با دولت‌های اقتدارگرای فراگیر شده است، اما این مهم در دولت‌های نوع اول با التزام به رعایت آموزه‌های حقوق بشری رقم خورده است. در این نوشتار سعی شده است با بررسی تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در دو مدل یا الگوی دموکراتیک سیاست جنایی و اقتدارگرای فراگیر، وجوه مختلف آن‌ها نیز تبیین شود.

واژگان کلیدی: پیشگیری اجتماعی از جرم، پیشگیری وضعی از جرم، مدل سیاست جنایی دموکراتیک،

مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر

## مقدمه

افزایش نرخ بزهکاری در سراسر جهان، از یک سو و ایجاد جامعه امن از سوی دیگر، به یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان و مردم تبدیل شده و حجم وسیعی از درآمد ملی کشورها را به مهار پدیده بزهکاری اختصاص داده است. از این رو، تأمین امنیت جامعه و استقرار جامعه امن موجب شده است، مقوله پیشگیری از جرم کانون مطالعات جرم‌شناختی محسوب شود و راهبردهای مختلفی توسط متولیان سیاست جنایی اتخاذ شود.

1. Email: Shahrdad.darabi@yahoo.com

2. Email: Ali.Najafi\_Tavana@iauctb.ac.ir

«نویسنده مسئول»

پیشگیری از جرم متضمن اقدام‌های غیرقهرآمیزی با ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی و ... است که به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا کردن افراد و یا حفاظت از آماج جرم اعمال می‌شوند، آن چنانکه در نهایت به اجتناب از مداخله نظام عدالت کیفری منجر شود و توسل به اقدام‌های سرکوبگر را که هزینه‌های مالی و انسانی قابل توجهی برای دولت، بزهکاران و خانواده‌های آنان دارد منتفی نماید یا دست کم کاهش دهد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶۹). بدیهی است میزان بهره‌مندی دولت‌ها از راهبرد پیشگیری با چگونگی تأثیرپذیری سیاست جنایی دولت‌ها از مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی ملازم‌ت دارد.

پیشگیری غیرکیفری یا جرم‌شناختی از یک سو به پیشگیری اجتماعی که هدف آن تغییر در وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه از طریق اولویت یافتن تدابیر اجتماعی و حمایتی است (جندلی، ۱۳۹۳: ۶۳)، تقسیم شده که معمولاً بر آموزش و پرورش افراد و شخصیت‌سازی تأکید می‌نماید و از سوی دیگر شامل (پیشگیری وضعی است که شامل اقدامات و روش‌هایی برای انصراف مجرم و کاهش فرصت ارتکاب جرم از طریق افزایش خطر، جاذبه‌زدایی، سخت کردن آماج جرم و افزایش نظارت می‌شود) (صفاری، ۱۳۹۲: ۱۲۳). این در حالی است که اولویت یافتن هر یک از دو گونه پیشگیری، تابعی از مدل غالب سیاست جنایی در جوامع است، زیرا جایگاه پیشگیری از جرم را نیز تعیین می‌سازد.

«بر این اساس محورهای سه‌گانه آزادی، برابری و قدرت سه مدل کلی سیاست جنایی لیبرال یا دموکراتیک آزادی‌مدار، سیاست جنایی اقتدارگرا (برابری‌مدار یا مساوات‌محور) و سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر (قدرت‌مدار یا قدرت‌باور) را از هم تفکیک می‌نماید. ارزش غالب در سیاست جنایی دولت‌های مردم‌سالار آزادی است و نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی و مردم‌سالاری است» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۰: ۴۳). بنابراین با تفکیک جرم و انحراف در مدل دموکراتیک سیاست جنایی و پاسداشت اصل قانونمندی جرم و مجازات، دولت توان خویش را در پاسخ‌دهی به جرم و جامعه مدنی پاسخ به انحراف را سامان می‌بخشد؛ همچنین تمسک به تدابیر پیشگیرانه ایجابی - افناعی با مرعی داشتن حقوق پیشگیری، راهبردی اصلی محسوب می‌شود.

در مقابل، در مدل اقتدارگرای فراگیر، دولت به کلیه رفتارهای حاکی از عدم قبول هنجارها می‌پردازد و آن را بدون تفکیک بزه از انحراف با هدف تحمیل یک شیوه واحد تفکر و عمل، به طور یکسان سرکوب می‌کند، آن چنانکه انسان‌های همانندشده بتوانند خود را در یک پیکره واحد

کاملاً متجانس، ادغام کنند (لازرژ، ۱۳۹۲: ۸۳). با این وصف مردم و جامعه مدنی در این مدل جایگاهی ندارند و حاکمیت به محض عدول شهروندان از هنجارهای اجتماعی، به آن به عنوان جرم پاسخ می‌دهد. لذا شاهد افزایش جرم‌انگاری، استفاده از رویکردهای امنیتی در قالب توسعه فضای کنترل شده و استفاده بی حد و حصر از تدابیر پیشگیرانه وضعی - فن‌آورانه و کیفری، بدون رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی هستیم.

مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در دو مدل دموکراتیک و اقتدارگرای فراگیر موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. پرسش اساسی آن است که مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک راهبرد پیشگیری از جرم در مدل دموکراتیک و مدل اقتدارگرای فراگیر چیست؟ برای پاسخ به این پرسش با رعایت روش توصیفی - تحلیلی در گفتار اول پیشگیری اجتماعی از جرم در این دو مدل بررسی می‌شود و در گفتار دوم پیشگیری وضعی از جرم در دو مدل پیش‌گفته، مطالعه خواهد شد.

## ۱- پیشگیری اجتماعی از جرم در مدل دموکراتیک و مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی

مدل دموکراتیک سیاست جنایی در جایگاه یک ساختار سیاسی عقل‌گرا و مبتنی بر واقع‌گرایی علمی ظاهر می‌شود و با رویکردی انسان‌مدار بر مبنای راهبرد مداخله حداقلی نظام کیفری، به عنوان نظامی که اصالت انسان را مد نظر دارد، معرفی می‌شود. بدین‌سان، دولت‌های مردم‌سالار سعی در ایجاد شرایط مساعد به منظور اعتلای مقتضیات مادی و معنوی یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم دارند و برای رشد و توسعه همه جانبه شهروندان تلاش می‌کنند.

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر رویکرد عوامل بزهکاری است و به دنبال سازماندهی برنامه‌ها به منظور مقابله با آن‌ها و تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشاء رفتارهای ضداجتماعی وی محسوب می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۵۱). واضعان سیاست جنایی در این گونه از پیشگیری به دنبال اقدامات توان‌افزا و مرتفع ساختن عوامل بنیادین جرم هستند.

به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست اندرکاران پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هر چه بیشتر افراد از نظام کیفری است (رابجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). این مهم با تأثیرپذیری سیاست

جنایی از یافته‌های علوم جنایی تجربی مانند بزه‌دیده‌شناسی و جرم‌شناسی موجب تثبیت جایگاه تدابیر پیشگیرانه کنشی می‌شود؛ بدین ترتیب، تدابیر پیشگیرانه از راه آموزش و تربیت فرد و اثرگذاری بر محیط او ممکن است با محور پیشگیری زودرس یا رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر و یا بر پایه محیط اجتماعی یا اجتماع‌مدار باشد، همچنان که با توسل به فن‌آوری‌های نوین امکان دارد به شکل پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار محقق شود. ضرورت بررسی شرایط اجتماعی جرم‌زا، وضعیت‌های ماقبل جنایی، تشریک مساعی جامعه و ارکان مختلف آن منجر به ارتباط گسترده و تعمیق یافته میان سیاست جنایی جوامع مردم‌سالار و سیاست‌های اجتماعی، از طریق اقدامات و تدابیر اجتماعی معطوف به جامعه‌پذیر نمودن افراد، ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی شده است.

از این رو، حفظ آزادی‌های مشروع افراد جامعه که به عنوان راهبرد اصلی دولت‌های مردم‌سالار تلقی می‌شود، با بهره‌گیری از نهادهای رسمی و غیررسمی مؤثر در پیشگیری از جرم مانند، خانواده، مدرسه، مسجد و ... از یک سو، و تلاش برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم و تدابیری که زمینه‌های ارتکاب جرم را مرتفع کند از سوی دیگر، تحقق می‌یابد؛ امری که ملازمت ویژه‌ای با تقویت استفاده از مدل اجتماعی پیشگیری از جرم دارد.

این در حالی است که دولت در جوامع اقتدارگرای فراگیر بر تمامی جنبه‌های فعالیت اقتصادی و اجتماعی نظارت دارد و در آن قدرت سیاسی تنها در دست یک حزب یا جناح است و هر گونه نظارت از سوی جامعه نسبت به دولت از بین رفته است. در چنین جامعه‌ای فشار از بالا به پایین جاری است و حکومت تلاش می‌کند که جامعه را بر اساس ایدئولوژی حزبی خود بسازد. در راستای تحقق چنین هدفی، حکومت با توسل به ترور و تبلیغات فضای مطلوب را برای خود ایجاد می‌کند.

«تبلیغات وسیع، روابط ادراکی شهروندان با واقعیت را تخریب می‌کند و آن‌ها را آماده پذیرش ادعای حکومت می‌سازد» (عالم، ۱۳۸۴: ۲۳۷). بر این اساس دولت‌های اقتدارگرای فراگیر با رویکرد قیّم‌آبانه، اجبار و اکراه سعی دارند افراد جامعه را به انجام یا ترک عملی وادار کنند. «در این مدل، از یک از سو، پیشگیری از جرم کاملاً دولتی است و از سوی دیگر، این ترکیب محدود به نهادهای قضایی و پلیسی با کارکرد سرکوبگر و واکنشی است» (افراسیابی و زارع مهدوی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). پس فضای

زندگی اجتماعی شهروندان عرصه بلامنازع کنترل دولتی است و استفاده از ابزارهای رسمی با محوریت مجازات تغلیب دارد.

در نتیجه اشکال مختلفی از جلوه‌های سزاگرایی مانند، سیاست تسامح صفر، قرارهای صادره علیه والدین در مورد نگاهداری از فرزندان یا تکالیف والدین بعد از جدایی، قرار مربوط به رفتار ضد اجتماعی (ASBOs) و رسیدن به این اجماع که پیشگیری از جرم و مدیریت خطر جایگزین اقدامات افناع‌کننده و فردی کردن تعقیب و مجازات است - به صورت مقطعی و موردی در جوامع دموکراتیک و به صورت مستمر در مدل اقتدارگرایی فراگیر - به کار گرفته می‌شود؛ اهداف این تدابیر کاهش جرم از طریق به حداقل رسانیدن فرصت‌ها، ارتقاء شرایط کنترل‌کننده موقعیت‌ها و جهت‌مند ساختن رفتار اشخاص از طریق رویکردهای جرم‌شناختی پیشگیری وضعی است (Garland, 2001: 171). بنابراین ادغام آسان جامعه امن با سیاست‌های احزاب محافظه کار، نئولیبرال و حاکمیت دولت‌های اقتدارگرا یا اقتدارگرایی فراگیر موجب ترسیم رویکردهای امنیتی و اعمال واکنش شدیدتر نسبت به مقوله بزهکاری و استفاده ابزاری از پیشگیری به عنوان مستمسکی در راستای افزایش اختیارات و امکانات پلیس یا دستگاه قضایی در جوامع اقتدارگرایی فراگیر بوده است. در این راستا شاخصه‌های پیشگیری اجتماعی در مدل مردم‌سالار و اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی بررسی می‌شود.

### ۱-۱- اولویت کنش یا واکنش

آنچه که در قالب پاسخ‌های پیشگیرانه در حوزه سیاست جنایی مطرح می‌شود، پاسخ‌های غیرکیفری و کنشی است که از پاسخ‌های کیفری جدا می‌شوند؛ اگر چه در مفهوم گسترده‌ای از پیشگیری، هر دو گونه پیشگیری کیفری و غیرکیفری مد نظر قرار می‌گیرند. در قلمرو سیاست‌گذاری ناظر به انحرافات و جرائم در جوامع مردم‌سالار، پیشگیری از بزهکاری با تمرکز بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و ... در اولویت است. در کشورهای تابع مدل اقتدارگرایی فراگیر، جرم و مجرم‌کانون اصلی توجه به نظام عدالت کیفری را تشکیل می‌دهند، هر شخص به محض ارتکاب جرم، با وجود عناصر عمومی و مسئولیت جزایی مجرم تلقی می‌شود و در نتیجه ممکن است مشمول واکنش‌های جزایی قرار گیرد (غلامی، ۱۳۹۳: ۴۲).

بدون تردید، جوامع مردم‌سالار با بهره‌مندی از دولت رفاه و تأسی از رویکرد علت‌شناختی بزهکاری به دنبال تقویت مهارت‌های اجتماعی، اصلاح و پرورش خصوصیات شخصیتی

شهروندان، به ویژه اطفال، از گذر مؤلفه های کنشی و حمایتی هستند. این مهم به ویژه در سطح مطالعات جرم‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به طرح سیاست‌هایی منجر می‌شود که با هدف پیشگیری از شکل‌گیری شخصیت مجرمانه و گاه با هدف تغییر هویت ضداجتماعی اشخاص بزهکار ملازمت دارد. همچنین با تقلیل دامنهٔ مسئولیت شخص بزهکار سعی در انتفای عوامل نسبی موجد جرم در چارچوب مصادیقی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیکاری، جهل، مشکلات عاطفی - روانی و ... دارد. لذا به صورت عمده پاسخ‌های کنشیِ فردمدار بر واکنش‌های قهرآمیز اولویت می‌یابد.

امروزه گسترش پیشگیری اجتماعی از جرم در کشورهای واجد نظام سیاسی دموکراتیک و کشورهایی که دوران اختلافات سیاسی را سپری کرده‌اند، همراه با حمایت‌های قانونی مشهود است (Shaw, 2009: 240). برای نمونه مدل فرانسوی پیشگیری از جرم که در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ طراحی و به نام بُن میژن - نماینده مجلس شورای ملی - در فرانسه نام گرفت، بر روی پیشگیری اجتماعی تمرکز یافت. هدف این مدل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر شخصیت و شرایط زندگی افراد جامعه جهت پیشگیری از بزهکاری رفتارهای کژروانه و کاهش عوامل اجتماعی جرم بود (Wyvekens, 2011: 117). با این وصف تلاش برای محو جرم و استفادهٔ بهینه از منابع مادی و انسانی در طرح‌ها و تدابیر پیشگیرانهٔ حقوق بشرمدار متضمن اقدامات کنشیِ ایجابی است، که در وجه غالب تدابیر پیشگیرانهٔ جوامع مردم‌سالار تبلور می‌یابد.

در سوی دیگر، دولت اقتدارگرای فراگیر قسمت اعظم سیاست‌های پیشگیری از جرم را نافی حقوق کیفری می‌داند و تأمین امنیت جامعه را با هر وسیله‌ای توجیه می‌کند، بنابراین راهبرد خود را بر مبنای اقدامات قهرآمیز و تحدید شدید فضای آزادی جامعه به نفع دولت قرار می‌دهد و حضور پلیس، اعمال مجازات و مداخلهٔ بدون مسامحهٔ نظام کیفری بیشتر پلیس به دنبال پیشگیری واکنشی یا تدافعی از طریق ارباب، عبرت و طرد مجرم را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

«لذا در مدل اقتدارگرای فراگیر توسل به مقولهٔ کیفری به عنوان در دسترس‌ترین ابزار، همراه با نادیده انگاشتن اصول مسلم حقوقی و اخلاقی، است» (رحمانیان و حبیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۷). دولت‌های قدرت‌مدار در حوزهٔ پیشگیری از جرم به سمت کنترل حداکثری از طریق سیاست جنایی سختگیرانه می‌روند. کره شمالی از مصادیق مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر است که جامعه را تحت حاکمیت فراگیر و بدون کمترین انعطاف حکومت اداره می‌نماید.

«در نظام اجتماعی کره شمالی مداخله دولت در تمام امور شهروندان از جمله تعیین کیفیت ازدواج، طلاق، مسافرت، تغذیه، نوع پوشش، مسکن، نظام آموزشی، امور ورزشی و غیره صورت می‌پذیرد. اجازه ازدواج از طریق مراجع امنیتی و پس از انجام تحقیقات راجع به کیفیت آشنایی طرفین و احراز صلاحیت آنان برای این امر صورت می‌گیرد. مواد غذایی به صورت سهمیه‌بندی میان شهروندان توزیع می‌شود و حسب نوع شغل و سن افراد، میزان و کیفیت سهمیه غذایی آن‌ها متفاوت است. مسافرت اتباع کره به خارج از کشور تنها در شرایط خاص و پس از اخذ اجازه از مراجع امنیتی امکان‌پذیر است. به دلیل مشکلات اقتصادی، مردم عمدتاً در منازل کوچک زندگی می‌کنند» (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۷۵: ۲۲). این شرایط نشان می‌دهد که تدابیر پیشگیرانه کنشی و حمایتی جامعه‌مدار در مدل اقتدارگرای فراگیر از نازل‌ترین موقعیت برخوردار بوده و دولت‌های اقتدارگرای فراگیر به جای تأمین رفاهیات، فقرزدایی و مرتفع ساختن علل بزهکاری، حتی در تنظیم جزئی‌ترین امور حیاتی آنان مانند تغذیه، پوشش، مسافرت و ... نفوذ و مداخله می‌کند و فضای زیست شهروندان را با کنترل حداکثری مواجه می‌سازند؛ آن چنانکه به برنامه‌های جامعه‌مدار و اساسی برای پیشگیری از جرم و بازپروری مجرمان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و در خصوص پیشگیری از بزهکاری واکنش‌های کیفی و سختگیرانه را اتخاذ می‌کنند.

#### ۱-۲- جایگاه مردم و نهادهای مدنی

پیشگیری مؤثر از جرم مستلزم رعایت مراحل و فراهم بودن امکانات مختلفی است که فقدان هر یک از عناصر متشکله این مهم می‌تواند منجر به گسست و شکست طرح‌ها و اقدامات پیشگیرانه شود. بر این اساس استفاده از ظرفیت مردم و نهادهای مدنی، مشارکت و تجهیز آن‌ها برای پیشگیری از بزهکاری و نهادینه شدن سیاست جنایی مشارکتی از شاخصه‌های پیشگیری عادلانه از جرم و عینیت یافتن دموکراسی در عمل است.

«در یک چشم‌انداز کلان، جامعه مدنی را می‌توان شکلی از نهادهای غیردولتی دانست که توسط اشخاص یک جامعه به منظور حصول به اهداف معینی، فارغ از منافع شخصی تشکیل‌دهندگان، ایجاد می‌شود» (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۳۰۴). بنابراین نهادهای مدنی از بستر جامعه برخاسته و از شهروندان داوطلب و مستقل از حکومت تشکیل می‌شوند و به ایفای نقش در جامعه می‌پردازند، بدیهی است نظام سیاسی مردم‌سالار با حفظ تکثر سیاسی، شفافیت گفتمان، نقش نظارتی دولت و حاکمیت در اداره عمومی یعنی تحدید قلمرو دولت به نفع جامعه مدنی و نیز

حضور مفید، مؤثر و فعال جامعه مدنی در اداره امور عمومی به صورت مشارکتی تلاش می‌کند (نجفی ایرنآبادی، ۱۳۸۲: ۶۰).

از این روی، مدل دموکراتیک سیاست جنایی به دنبال کاهش تصدی‌گری و استفاده از مشارکت جامعه در مدیریت بهینه کشور و عرصه پیشگیری از جرم است؛ حضور جامعه مدنی در این جوامع مبرز است و تلاش می‌شود این مشارکت چشمگیر در حوزه‌های مختلف عمومی افزایش یابد، امری که احساس مسئولیت جمعی، شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی و تثبیت سیاست جنایی مردم‌سالار را به دنبال خواهد داشت.

«قلمرو یا دامنه سیاست جنایی مشارکتی شامل تمام مراحل تدوین و اجرای سیاست جنایی است که در این میان، مرحله اجرای سیاست جنایی که شامل مرحله پیشگیری از جرم و مرحله واکنش به پدیده مجرمانه می‌باشد، بیشتر مطرح و از اهمیت بسزایی برخوردار است» (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

برخی کشورها مانند، فرانسه در راستای تدوین و اجرای طرح‌های پیشگیری از جرم اقدام به تهیه قراردادهای محلی امنیت نموده‌اند که میان نهادهای دولتی و محلی امضاء می‌شود، در واقع در این کشور قرارداد محلی امنیت، نمونه‌ای از تحقق اهداف سیاست جنایی مشارکتی است که مؤلفه‌های آن پیشگیری مشارکتی در ابعاد گسترده، میانجی‌گری کیفی، حمایت از بزه‌دیده و گسترش امنیت اجتماعی در سطوح مختلف است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۵).

بدین ترتیب، دولت‌های مردم‌سالار با بهره‌گیری از نهادها و تشکل‌های مردمی، مشارکت آن‌ها را در پاسخ به انحرافات اجتماعی رقم زده و توان دولت معطوف به سامان‌دهی پاسخ به جرم می‌شود. بر این اساس، تعیین دامنه و محدوده هنجارمندی که توسط دولت مشخص می‌گردد، تضییق یا توسعه حضور جامعه مدنی در عرصه سیاست جنایی را رقم می‌زند؛ به نحوی که اگر دولت مرزهای هنجارمندی و فضای رفتاری - گفتاری کنترل‌شده مردم را گسترش دهد، از قلمرو بهنجاری و فضای آزاد کاسته خواهد شد و جامعه مدنی نقش کم‌رنگ‌تری در این خصوص خواهد داشت و هر چه فضای کنترل‌شده دولتی تنزل یابد، قابلیت دگرزیستی شهروندان و تحدید پاسخ‌های دولتی افزایش می‌یابد.

در مقابل، در مدل اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی، قدرت سیاسی انحصارگرا برای استیلای همه جانبه خود بر زندگی اجتماعی و حتی رفتارهای خصوصی شهروندان به هر شیوه‌ای دست می‌یازد و به دنبال نهادینه کردن روحیه انفعال محض و پذیرش بی‌چون و چرای فرمان‌هایی است



که تعیین می‌نماید؛ به دنبال انحصاری بودن قدرت، انحصار وسایل ارتباط جمعی، اقتصادی و ... نیز محقق می‌شود که در نهایت منجر به شکل‌گیری یک جامعه بسته می‌گردد.

«بنابراین جای شگفتی نیست که مشارکت جامعه مدنی و مردم در سیاست جنایی از یک سو، برای افشای اسامی و مکان بزهکاران - منحرفان و از سوی دیگر، با هدف مجازات و یا همساز و هم‌نوا کردن اجاری آنان با هنجارهای اجتماعی سازمان‌دهی شود» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۳: ۵۳).

بدین‌سان، ماهیت استبدادی این گونه دولت‌ها مانع از شکل‌گیری واقعی جامعه مدنی شده و نهادهای مدنی نقش مؤثری - جز به صورت صوری - در حوزه پیشگیری از جرم ندارند و کسانی که قدرت را در دست دارند خود را مکلف نمی‌دانند که در فواصل معین زمانی پاسخگوی مردم باشند. در این جوامع، تشکیل احزاب سیاسی معمولاً ممنوع و احزاب موجود منحل و یا به حالت تعلیق در می‌آیند؛ در چنین رویه‌ای، مشورت و نظرخواهی از مردم صوری است، آزادی فردی به طور کامل تحت‌الشعاع پیشوا و قدرت دولت قرار می‌گیرد که معمولاً در دست عده قلیلی از افراد متمرکز است.

در نتیجه رابطه میان مردم و حکومت از حالت مسالمت‌آمیز خارج می‌شود و حکومت به طبقه مسلطی تبدیل می‌شود که بر قدرت طبقات دیگر تأثیر تضعیف‌کننده می‌گذارد و از این رهگذر، هدفی جز حفظ و تثبیت موقعیت خود ندارد؛ بنابراین مهم‌ترین وجه متمایز این دولت، نبود و یا مشارکت اندک مردم در عرصه پیشگیری از جرم است، به نحوی که دولت در وضع قوانین و محدود ساختن حوزه آزادی‌های اشخاص، بدون لحاظ نمودن نظر شهروندان اقدام می‌نماید. به واسطه عدم پذیرش جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد به تبع هیچ‌گاه شاهد سیاست جنایی مشارکتی در راستای اقدامات پیشگیرانه نخواهیم بود. بر این اساس با توجه به استقبال روزافزون از پیشگیری وضعی در کشورهای تابع مدل دموکراتیک و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی می‌پردازیم؛ و این مهم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲- پیشگیری وضعی از جرم در مدل دموکراتیک و مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی

روشن است اعتبار سیاست جنایی دولت‌ها بر اساس گستردگی سیاهه رفتارهای جرم‌انگاری شده و تورم قوانین جزایی تعیین نمی‌شود، بلکه کارایی آن در قالب تکثر و تنوع پاسخ‌ها، که

شامل اقدامات غیرقهرآمیز، در راستای پیشگیری از جرم است ارزیابی و ارزش گذاری می‌گردد. بر این اساس، پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار گونه دیگری از پیشگیری است که در برابر پارادایم پیشگیری اجتماعی قرار می‌گیرد.

این رویکرد پیشگیرانه بر اساس نظریه‌های موقعیت، آماج یا بزه‌دیده‌مدار در جرم‌شناسی بنا شده است که شامل نظریه‌های فعالیت روزمره و سبک زندگی است (کلارک، ۲۰۱۰: ۱۲۴۲)؛ و برخلاف پیشگیری اجتماعی و فرهنگی، به دنبال شخصیت‌سازی نیست، بلکه هدف از آن نوعی توان‌گیری از مجرم با دستیابی به تدابیر غیرقهرآمیز از طریق تغییر در موقعیت ماقبل بزهکاری یا حفاظت از آماج جرم و بزه‌دیده در برابر بزهکار است.

لذا با فرض مجرم حسابگر، درصد برهم زدن معادله جرم به نفع بزه‌دیده و به ضرر بزهکار است و با تقویت آماج مجرم رویکردی نسبتاً امنیتی را ترجیح می‌دهد، آن چنانکه تلاش می‌شود با حمایت از بزه‌دیده یا آماج بالقوه جرم (اشخاص، اموال، اماکن و ...) از طریق سازوکارهایی مانند دوربین‌ها و تلوزیون‌های مداربسته، زنگ خطر، استفاده از نیروی انسانی و ... موجب افزایش دشواری‌های ارتکاب جرم و کاهش منافع بزهکاری شده و مجرمین را از تعقیب آماج جرم منصرف نماید.

بنابراین گونه پیشگیری وضعی از آن حیث که تمرکز خود را از طرح‌ها و تدابیر پیشگیرانه اجتماعی که به دنبال از بین بردن عوامل جرم است، معطوف فرصت‌ها و موقعیت‌هایی می‌سازد که جرم در آن واقع می‌گردد، در همه کشورهای، از جمله جوامع مردم‌سالار نیز پذیرفته شده است؛ امری که موجب قرابت مقطعی مدل دموکراتیک سیاست جنایی با مدل اقتدارگرای فراگیر می‌شود که همواره در حریم خصوصی شهروندان مداخله بی حد و حصر می‌نماید. با این حال، از آنجا که مجریان بسیاری از فن‌های پیشگیری وضعی شهروندان هستند و کارایی مؤثر تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدار در پیشگیری از جرم با موفقیت‌های نسبی در جوامع مردم‌سالار همراه بوده است، استقبال از این نوع پیشگیری با التزام به رعایت موازین حقوق بشری رو به تزايد است، در حالی که جوامع تابع مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی با نهادینه شدن فرهنگ امنیتی به گسترش اقدامات پیشگیرانه وضعی، بدون پیروی از موازین حقوق بشری دست می‌یازند. از این رو دلایل استقبال از پیشگیری وضعی مواردی است که مطالعه می‌شود.

## ۲-۱- راهبرد نتیجه محوری و پیشگیری وضعی

امروزه استفاده بهینه از امکانات نظام عدالت کیفری با هدف کاهش هزینه‌های اقدامات پیشگیرانه در قالب فایده‌گرایی و نتیجه‌محوری عینیت یافته است. اهمیت روزافزون کارکرد مدیریتی، استناد به کارنامه راهبرد پیشگیرانه احزاب حاکم و افزایش ترس از جرم در میان مردم، موجب گرایش متولیان پیشگیری، از استدلال‌های اجتماعی غالب در سده بیستم به سمت استدلال‌های اقتصادی و عمل‌گرایی در سده بیست و یکم شده است.

«از این روی، پهنه کنترل جرم از سیاست‌های پیشگیری از جرم گرفته تا نظام‌های زندان و تعلیق مراقبتی، حاوی ارزیابی‌های هزینه - فایده و فن‌آوری‌های بازرسی و نظارتی شده است. گفتمان قدیمی (عوامل اجتماعی جرم) با اصطلاحات نوینی همچون شاخصه‌های ریسک، هزینه جرم، عرضه و تقاضا و ... جایگزین شده‌اند که مبین رویکرد اقتصادی محاسبه و نتیجه محوری در عرصه جرم‌شناسی هستند» (Garland, 2002: 188-189).

بنابراین ارزیابی کارایی طرح‌ها و اقدامات مختلف پیشگیرانه در جوامع مردم‌سالار و دستیابی به نتایج ملموس و مشهود، جهت اعلام دستاوردها به شهروندان و تثبیت موقعیت دولتمردان از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ امری که دستیابی به امنیت پایدار و موفق جلوه دادن نظام عدالت کیفری را از طریق اقدامات بازدارنده و منصرف‌کننده ناظر به کاهش عوامل گذار از اندیشه به عمل، خواه از طریق قطعیت کیفر یا پاسخ قضایی مناسب، خواه به واسطه مداخله در فرآیند ارتکاب جرم یا تقویت حفاظتی از آماج‌ها و قربانیان بالقوه جرم، محقق می‌سازد.

این امر موجب استفاده حداکثری از مدل پیشگیری وضعی به عنوان راهبردی مطلوب، جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب بزهکاری می‌شود و توسعه مواردی همچون نظارت بیشتر پلیس، برعهده گرفتن تأمین امنیت توسط نهادهای امنیتی خصوصی، نگهداران منازل و اماکن و مراقبت توسط دوربین‌های مداربسته را رقم زده است (Hebberecht, 2009: 181-182). مؤلفه‌هایی که در پرتو جرم‌شناسی امنیتی، به جای مطالعه شخصیت مجرم، به تحلیل ریسک و شاخص‌های تکرار جرم در فرد می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۳۱). بر این اساس، جرم از انتخاب‌های فردی ناشی می‌شود و شرایط اجتماعی، موجد جرم نیست؛ بنابراین پیشگیری از جرم در این نگرش در قالب قوانین کیفری سختگیرانه، اقتدار پلیس، پایش مستمر و استفاده از ابزارهای پیشگیری وضعی - فن‌آورانه متجلی می‌شود.

«روشن است که این تغییر پارادایمی که منبعت از عدم موفقیت نظام عدالت کیفری دولت‌های مردم‌سالار در مهار پدیده جنایی است، به گسترش فزاینده ترس از جرم و احساس ناامنی دامن می‌زند، آن چنانکه شهروندان را نسبت به بزه‌دیدگی احتمالی، با اضطراب مواجه می‌سازد و در مواردی این گمان را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد که در موقعیت ضعیف و شکننده‌ای قرار دارند» (Good & Jefferson, 2007: 58). اما از آنجا که تغذیه افکار عمومی و شکل‌گیری این مهم از طریق رسانه‌ها، مطبوعات و ... با القاء ترس از جرم، احساس ناامنی و اضطراب از بزه‌دیدگی و افزایش جرائم همراه است، امنیت‌طلبی شهروندان نیز مزید بر علت استقبال از پیشگیری موقعیت‌مدار و توجیه این مهم شده است.

بدیهی است جایگاه راهبرد پیشگیری در هر یک از مدل‌های سیاست جنایی منوط به مدل مرجع و غالب سیاست جنایی حاکم بر آن است؛ بدین‌سان، حاکمیت مدل اقتدارگرایی فراگیر در عرصه سیاست جنایی و چرخش‌های اقتدارگرایانه مقطعی - موردی سیاست جنایی دولت‌ها در برخی کشورهای دموکراتیک متضمن این مهم است که دولت‌ها قبل از توجه به واقعیت پدیده مجرمانه، به ایدئولوژی خود مراجعه می‌کنند و آن را در جهت مبارزه با بزهکاری مبنا قرار می‌دهند. این در حالی است که عدم تأثیرپذیری سیاست جنایی از ایدئولوژی و تفکرات جزم‌اندیشانه حکومتی و قرابت آن با یافته‌های مطالعات جرم‌شناختی موجب ترجیح نظام پیشگیرانه کنشی شهروندمدار با تاسی از آموزه‌های حقوق بشری خواهد بود، مؤلفه‌ای که در جوامع اقتدارگرایی فراگیر از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.

در کشورهای واجد مدل اقتدارگرایی فراگیر که سیاست جنایی علمی، علت‌شناسی بزهکاری و متعاقباً تدابیر پیشگیرانه کنشی اجتماعی به محاق می‌رود و رعایت آن نسل از حقوق بشری که جنبه جمعی داشته و به دنبال تأمین اجتماعی و رفاه همگانی‌اند، رعایت نمی‌شود، دست کم بخشی از بزهکاران در واقع قربانیان نقض حقوق اساسی خود توسط دولت‌هایند، دولت‌هایی که از طریق سوءمدیریت، رانت‌خواری‌های سیاسی، اجتماعی و در نتیجه رابطه‌سالاری به جای شایسته‌سالاری که منجر به فساد دولتی و فقیر شدن مادی و معنوی جامعه می‌شود و یا دولت‌های فردسالاری که اکثر سیاست‌های اتخاذی و امکانات مادی کشور را به رغم خواسته‌های مردم، در جهت حفظ و استمرار خود در حاکمیت، مصروف تقویت بخش‌های قضایی و شبه‌قضایی، نظامی و شبه‌نظامی و امنیتی می‌کنند و با سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها و انجام برنامه‌های مختلف در مقام کسب مشروعیت داخلی

و بین‌المللی برای خود هستند، در نهایت موجب کاهش بودجه و امکاناتی می‌شوند که قاعدتاً باید صرف تحقق رفاه همگانی و به عبارتی پیشگیری از انحرافات اجتماعی شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۹: ۵۷۸).

از این رو، برخلاف دولت‌های مردم‌سالار که در دهه‌های نه چندان دور با اولویت بخشی به مدل پیشگیری اجتماعی و روش‌های بالینی، سعی در بهبود وضعیت جامعه داشته و به تدریج با بهره‌گیری از مدل پیشگیری وضعی و التزام به رعایت حقوق افراد، تحولات راهبرد پیشگیری از جرم را تحت لوای زودبازدهی تجربه می‌کنند، دولت‌های تابع مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی، اساس راهبرد خود را بر مدار جرم‌انگاری‌های افراطی، کیفرگرایی و پیشگیری‌های وضعی، بدون در نظر داشتن حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و حداقل سرمایه‌گذاری بر مدل پیشگیری اجتماعی، قرار داده‌اند.

## ۲-۲- سهولت تغییر موقعیت جرم نسبت به تغییر شخصیت بزهکار

حامیان مدل پیشگیری وضعیت مدار، با اجتناب از ورود به قلمرو مطالعات علل دور بزهکاری همچون عوامل روان‌شناختی، زیست‌شناختی و اجتماعی و بدون تمرکز بر فرآیند بزهکار شدن افراد، نگاه خود را معطوف به وسوسه‌های ارتکاب جرم و فرصت‌های جرم‌زا به عنوان عوامل نزدیک مُشرف بر جرم می‌کند و مداخله در موقعیت‌ها و فرصت‌های پیش جنایی را سهل‌تر از تأثیرگذاری بر شخصیت فرد و یا تغییر آن می‌دانند.

بنابراین، از آنجا که تغییر و تحول در شخصیت افراد تدریجی است و فرآیند آموزش مهارت‌های اجتماعی، درونی‌سازی هنجارها و قانون‌مدار نمودن شهروندان در بستر زمانی مطولی رقم می‌خورد، مدل‌های پیشگیری کنشی اجتماعی که سعی در بهبود و اصلاح رفتار افراد جامعه از طریق سازوکارهای مخصوص به خود را دارد، مدلی دیربازده و فرسایشی محسوب می‌شود که پاسخگوی رشد جرائم و مطالبات مردم در جهت عینیت یافتن تدابیر پیشگیرانه متولیان نظام سیاست جنایی نیست، امری که کنترل بر فرصت‌ها را، نسبت به اخلاق‌مداری شهروندان و تقویت کنترل‌های درونی افراد مرجح می‌پندارد.

«این رویکرد در حالی محقق شده است که، اگر چه پیشگیری اجتماعی ممکن است جذاب به نظر برسد، اما مردم تمایل زیادی به بهبود طولانی مدت شخصیت و رفتار بزهکاران ندارند و این گونه از پیشگیری را که دلالت بر اصلاح و ارتقای وضعیت مردم دارد، اغلب شکست خورده می‌دانند» (کلارک و فلسون، ۱۳۸۸: ۱۷۹-۱۸۰). به نظر می‌رسد

بحران اقتصادی و رویارویی دولت‌ها با جرائم تروریستی و سازمان‌یافته در استقبال از پیشگیری موقعیت‌مدار بی‌تأثیر نبوده است. ضمن آنکه معمای جرم به موضوعی پیچیده‌تر و دارای ابعاد گسترده تبدیل شده و تحولات روابط اجتماعی موجب تضعیف پیشگیری اجتماعی شده است (نجفی توانا و شاطری پور اصفهانی، ۱۳۹۱: ۵۵). در این فضا دولتمردان با تأکید بر موقعیت‌های مشرف بر جرم به شناخت وقایع مجرمانه و اوضاع و احوال بلاواسطه‌ای که جرم در آن واقع می‌شود، می‌پردازند.

با توسعه دوربین‌های مراقبت، نقش مردم در تأمین امنیت کمرنگ می‌شود. در واقع این سازوکار که به منظور ایفای نقش بازدارندگی نسبت به بزهکاران استفاده می‌شود، اثر عکس خواهد گذاشت. در این حالت تأمین امنیت به دست یک متولی یا مدیر سپرده می‌شود و در عمل شهروندان از یک گنشگر به تماشاگر تبدیل شده‌اند.

از این رو، در کشورهای مردم‌سالار، راهبرد پیشگیرانه بزهکار محور که با مدل پیشگیری زودرس و جامعه‌مدار سعی در بکارگیری ظرفیت همه جانبه دولت و جامعه مدنی جهت عدم نهادینه شدن انحراف و جرم در رفتار افراد دارد و تغییر انگیزه و خصایص شخصیتی ایشان را دنبال می‌نماید، تبدیل به مدلی از پیشگیری می‌شود که صرفاً از طریق دگرگونی در موقعیت‌ها و عوامل وضعی مانند، مهندسی خیابان‌ها، ساختمان‌ها، تقویت اقدام‌های حفاظتی از آماج‌های جرم و افزایش تدابیر امنیتی به دنبال کاهش جرم است، امری که موجب تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود.

با این حال در مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر، ضمن آنکه به شخصیت‌سازی و درونی‌سازی ارزش‌ها در پرتو ایدئولوژی حاکم اهمیت بسزایی داده می‌شود، افراد جامعه از حق دگرزیستی، دگراندیشی و حق انتخاب در آموزش و پرورش برخوردار نیستند. ابزارها و وسایل ارتباط عمومی در اختیار دولت و در خدمت ترویج و تحمیل ایدئولوژی حاکم قرار می‌گیرد.

«در کشور کره شمالی ایدئولوژی (جوچه)<sup>۱</sup> محتوای نظام آموزشی آن کشور را تشکیل می‌دهد. در داخل کشور، ایدئولوژی جوچه به عنوان یکی از متون درسی خیلی مهم، در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. کتاب‌های مختلفی در این مورد به رشته تحریر درآمده و آموزش آن در هر هفته یک روز برای همگان اجباری است. دولت افکار جوچه را در زمینه‌های مختلف

---

۱. «جوچه تلفیقی از مارکسیسم، ناسیونالیسم و اومانیزم است که هدف آن ایجاد جامعه اشتراکی، منضبط و متکی بر خود در راه سازندگی کشور و تربیت افراد می‌باشد» (ظهور نژاد، ۱۳۷۵: ۹۴).

فردی و اجتماعی، سیاسی، دفاعی، صنعت و کشاورزی توسعه می‌دهد؛ ضمن آنکه رسانه‌های گروهی شامل رادیو، تلویزیون و مطبوعات دولتی منتشر می‌شوند و بنابراین هیچ رسانه‌ی مستقلی وجود ندارد» (مین و و یون، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

مداقه در این دولت‌ها نشان می‌دهد که ایدئولوژی، به عنوان حجاب واقعیت، مبنای‌ترین اندیشه‌های مرتبط با هویت و موقعیت نظام برنامه‌ریزی سیاست جنایی را سامان می‌بخشد و بسط رویکردهای این مدل از سیاست جنایی، خردگرایی و بی‌طرفی علمی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چندان که توجیه‌گر راهبرد پیشگیری از سیاست جنایی دولت‌های اقتدارگرای فراگیر خواهد بود.

### ۲-۳- تدابیر پیشگیری امنیت‌مدار

آنچه که به عنوان دغدغه فعالان سیاسی - اجتماعی حفظ حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع در جوامع نمایان می‌شود، این مهم است که استقبال دولت‌ها از تدابیر پیشگیرانه از جرم با تضییق فضای آزاد جامعه و توسعه ناهمگون فضای کنترل‌شده مردم توسط دولت همراه نباشد. اگر چه جرم‌انگاری به عنوان اقدامی که با گستراندن چتر کیفری روی فعل یا ترک فعلی خاص و تعیین مجازات برای آن رفتار، حد اعلای گسترش فضای کنترل شده تلقی می‌شود، اما اتخاذ برخی گونه‌های پیشگیری از جرم تدافعی و یا سیاست جنایی حاکم در یک کشور که از بافت اقتدارگرای فراگیر یا تمامیت‌خواه برخوردار باشد و حتی استقبال برخی کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی از گونه‌های پیشگیرانه پیش گفته، موجب تشدید این نگرانی می‌شود.

«با این وصف در کشورهای اقتدارگرای فراگیر حق مردم بر تأمین حقوق و آزادی‌ها در برابر نهادهای پلیسی - قضایی، در نهایت قربانی حفظ امنیت سیاسی حاکمیت می‌شود و حقوق بنیادین افراد به بهانه حفظ امنیت سیاسی حاکمیت زیر پا گذاشته می‌شود، به نحوی که در این شکل جدید حق بر امنیت بر سایر حقوق انسانی برتری داده می‌شود. کیفر به ابزاری نه برای اصلاح مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم، بلکه برای سرکوب آن‌ها تبدیل می‌شود، در این فضاست که مدیریت ریسک جرم و کنترل اجتماعی حاکم می‌شود» (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

اساساً آن دسته از تدابیر کنشی که برگرفته از مدل رشدمدار یا جامعه‌مدار است، قرابتی با توسعه کنترل و نظارت فراگیر بر زندگی شهروندان ندارد، اما تکثر جمعیت، شهرنشینی، خیزش فزاینده آمار جرائم، عدم توفیق حداکثری نهادهایی مثل خانواده و مدرسه، پیدایش جرائم نوظهور

و سازمان یافته و ... موجب گرایش به اقدام‌های پیشگیرانه وضعی می‌شود که خواه نا خواه با بسط حوزه کنترل افراد جامعه ملازمت دارد. البته شکل‌گیری تدابیر پیشگیرانه وضعی منحصر به مدل اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی نیست، بلکه برخی کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی نیز این راهبرد را، به صورت مقطعی و موردی در قبال بعضی جرائم و مجرمان نیز، اتخاذ می‌کنند.

به عنوان مثال، کشور فرانسه با تغییر راهبردی از دولت حمایتی و رفاهی به دولت متمایل به امنیت در تاریخ پنجم مارس ۲۰۰۷ قانونی را به تصویب رساند که تحت پوشش عنوان پیشگیری در واقع به سرکوبی پرداخته است. بسیاری از فصول این قانون، اصلاح عدالت کیفری کودکان و نوجوانان بیشتر در جهت تشدید سختگیری است، بدون اینکه تغییرات ایجاد شده با نگاهی به عوامل جرم‌زا صورت گرفته باشد. در واقع هدف واقعی قانون، متفاوت با عنوان و هدف اعلام شده قانون است (پیرات به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۵۹). اتخاذ چنین تدابیری در جوامع مردم‌سالار گاه با اهداف سیاسی و تفوق نگرش عامه‌پسند بر دیدگاه‌های علمی اولویت می‌یابد.

بنابراین سیاست کیفری عوام‌گرا در جوامع دموکراتیک که صرفاً به مهار بزهکاری، آن هم در کوتاه‌مدت می‌اندیشد و به نتایج بلندمدت آن توجهی ندارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۳۰). تا آنجا پیش رفته است که برخی دولت‌های مردم‌سالار تحت تأثیر این امر، فرهنگ جدید کنترل جرم را در قالب ملاحظات سیاسی، مقطعی و زودبازده تدوین می‌کند و دولتمردان با این ابزار، افکار عمومی را نیز با خود همراه نموده‌اند.

در مدل اقتدارگرایی فراگیر تشدید مجازات‌ها در راستای پیشگیری وضعی یا کیفری، به ویژه مجازات حبس و کنترل، پایش و نظارت افراد با استفاده گسترده از رویکرد ریسک‌مدار و بدون در نظر داشتن حقوق بنیادین افراد نهادینه شده است. بدین سان، در جوامع نادموکراتیک دوربین‌ها و تلویزیون‌های مدار بسته در همه جا اعم از اماکن جرم‌خیز و نامستعد جرم نصب می‌گردد، ضمن آنکه اگر راهبرد پیشگیری از جرم در جوامع مردم‌سالار با نوسان میان دو گونه اجتماعی و موقعیت‌مدار روبروست، در جوامع اقتدارگرایی فراگیر راهبردهای مبتنی بر امنیت‌مداری، سیاست قانون و نظم که عموماً نظارتی - کنترلی‌اند، حاکم است.

«به عنوان نمونه، در کشور کره شمالی، نهادهای عدالت کیفری و ساختارهای امنیتی جهت حمایت از حاکمیت و نظام سیاسی، بر شهروندان وجود دارند. این ویژگی متأثر از اصول



سوسیالیست است. در این سنت حقوقی سوسیالیستی، وظیفه اصلی عدالت کیفری حمایت از حکومت کمونیستی، مجازات مخالفان اصول یا حکومت کمونیستی و آموزش و تربیت مردم به عنوان یک کمونیست است. بر این اساس، نهادهای عدالت کیفری کره شمالی و ساختارهای امنیتی دارای چنین اهدافی بوده و وظیفه‌ای در حمایت از حقوق اشخاص و دارایی آن‌ها ندارند. بنابراین، استقلال قضایی برای کنترل سوءاستفاده از قدرت توسط نهادهای حکومتی امری فراموش شده است. نهادهای عدالت کیفری و امنیتی، برای هر گونه اقدام نسبت به مظنونان در فرآیند رسیدگی کیفری اختیار تام دارند» (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). بنابراین کنترل همه جانبه دولت در کره شمالی، به عنوان مصداق مدل اقتدارگرایی فراگیر<sup>۱</sup>، منطبق قدرت و فرهنگ امنیتی را سرلوحه تدابیر پیشگیرانه خود قرار داده است؛ امری که در راستای مقابله با ناامنی در نهایت به تورم کیفری می‌انجامد و راهبرد پیشگیری از جرم دولت‌ها به جای مواجهه با عوامل اجتماعی و اقتصادی بزهکاری، اتخاذ راهکارهای کیفری و پیشگیرانه وضعی در برابر با بزهکاری می‌شود.

### نتیجه گیری

در جوامع مردم‌سالار، رعایت اصل حاکمیت قانون، به عنوان زیربنای ایجاد یک نظام حقوقی سامان یافته، شرط اساسی تحقق حقوق بشر محسوب می‌شود. از این رو، قانون‌مداری یکی از منزلت‌های ثابت حقوقی است که در قلمرو رشته‌های مختلف حقوق از جمله حقوق پیشگیری شناسایی می‌شود و تضمین‌کننده حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان محسوب می‌شود، مؤلفه‌ای که موجب می‌شود سیاست جنایی دولت‌های مردم‌سالار بر اساس راهبرد توسعه پیشگیری از طریق روش‌های اقناعی، فرهنگی - اجتماعی و مداخله کمینه‌ای نظام کیفری شکل گیرد.

اما از یک سو، بقاء جنبش‌های اصلاحی که حامی دولت‌های رفاه، مدل پیشگیری اجتماعی، تقویت رویکرد بالینی و سیاست اصلاح و درمان بودند مستدام نماند و از سوی دیگر،

---

۱. فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان از نمونه‌های دیگر دولت‌های تابع مدل اقتدارگرایی فراگیر در عصر خود بوده‌اند (آنسل، ۱۳۹۱: ۳۹). ضمن آنکه بسیاری از کشورها مثل آمریکا، انگلستان و فرانسه به طور مقطعی در مورد بعضی جرائم مدل سیاست جنایی خود را بر این رویکرد استوار می‌سازند. به عنوان مثال، در ایالات متحده آمریکا، با در پیش گرفتن سیاست کیفری سختگیرانه در چند دهه گذشته سیاست‌های موسوم به «جنگ علیه جرم» و «جنگ علیه مواد مخدر» در اولویت برنامه‌های سیاست‌مداران این کشور قرار گرفته است و مجازات مرگ به صورت گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۶).

نظام عدالت کیفری به این دلیل که بیش از حد با مجرمین، برخورد تساهلی می‌کند، موجب راهبرد پیشگیرانه امنیت‌مداری و تشدید سیاست‌های کیفری در کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی شده است، موضوعی که با به قدرت رسیدن احزاب محافظه‌کار یا نئولیبرال در کشورهای غربی و با افزایش حملات تروریستی یا جرائم سازمان یافته به تردیدهای حقوق بشری پیشگیری وضعی از جرم دامن زده است.

در حوزه سیاست جنایی، معمولاً پیشگیری اجتماعی از جرم، گرایش غالب سیاست جنایی دموکراتیک و گرایش سرکوبگر و پیشگیری وضعی، رویکرد مدل اقتدارگرای فراگیر است (Wyvekens, 2009: 113)، آن چنانکه گاه مدل‌های سیاست جنایی، تعارض‌های سیاسی را برجسته می‌کند و در یک بازه زمانی مدل‌های لیبرال، اقتدارگرا یا اقتدارگرای فراگیر با ترسیم صریح یا ضمنی واقعیات نگرش خود، گونه پیشنهادی پیشگیری از جرم احزاب دیگر را صرف‌نظر از کارآمدی نظری یا عملی، به دلیل همسو نبودن با مرام خود رد می‌نمایند (وایت، ۱۹۹۸: ۳). بنابراین شرایط سیاسی حاکم و گرایش احزاب به قدرت رسیده، راهبرد پیشگیری از جرم دولت‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

شاید با مسامحه بتوان گفت که اقتدارگرایی فراگیر مانند نظام‌های دموکراتیک بر مبنای رضایت قرار دارد، با این تفاوت که در نظام‌های مردم‌سالار این وضعیت از «عقل» ناشی می‌شود و در نظام‌های اقتدارگرای فراگیر این مهم از «عقل باختگی» نشأت می‌گیرد (انصاری، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

ناگفته پیداست که دگردیسی گونه‌های پیشگیری از جرم در مدل دموکراتیک سیاست جنایی به سمت مدل‌های تحدیدگر فضای آزاد جامعه، بدون وجود تضمینات لازم برای حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان نیست؛ بلکه وجود قوانین شکلی یا ماهوی، همگام با تحولات حادث در انواع پیشگیری، پیامدهای منفی تحدید فضای آزاد مردم را به حداقل می‌رساند.

بنابراین تحت‌الشعاع قرار گرفتن ماهیت راهبرد پیشگیری از جرم در جوامع مردم‌سالار با رویکرد امنیت محور به گونه‌ای که موازین حقوق بشر نقض شود و در لوای پیشگیری از جرم، ابزارهایی به دست دولت‌ها داده شود که بتوانند با دستاویز قرار دادن آن‌ها، مانند حکومت‌های اقتدارگرای فراگیر، اندک تحرکات اجتماعی شهروندان را تعقیب و تفتیش کنند، به حداقل می‌رسد.

با این حال، حامیان آرمان‌گرای حقوق بشر اقدامات پیشگیرانه وضعی را در تعارض با موازین حقوق بشر می‌دانند و تقویت حفاظتی بزه‌دیدگان و آماج‌های احتمالی جرم را از رهگذر

دشوارسازی ارتکاب بزهکاری، برنمی‌تابند و اقداماتی مانند نصب دوربین و تلوزیون مداربسته و دیگر تدابیر وضعی مانند شنود یا استراق سمع را از مصادیق نقض صریح حقوق بشر و تهدید یا تحدید حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان می‌دانند.

استدلالی که با واکاوی آن در می‌یابیم که دولت‌های مردم‌سالار برخلاف دولت‌های نادموکراتیک حتی در مواقعی که سیاست جنایی در بعضی موارد به مدل اقتدارگرای فراگیر نزدیک می‌شود، شاخصه‌های حقوق بشری را مطمح نظر دارد و تعبیه دوربین‌ها و دیگر ابزارهای نظارتی و پایش را صرفاً در اماکن جرم‌خیز یا مستعد بزه‌کاری قرار می‌دهد و با هشدارهای لازم، شهروندان را از وجود آن‌ها مطلع می‌سازند و از تصاویر، داده‌ها یا اطلاعات ثبت شده صرفاً به منظور کشف یا نمایش جرائم ارتكابی استفاده می‌کند و ضمانت اجرای لازم را برای تخطی از این مهم در قالب حقوق پیشگیری لحاظ می‌نمایند، شاخصه‌ای که در مدل اقتدارگرای فراگیر محذوف است و راهبرد پایش و سرکوبی تحت پوشش پیشگیری، کنترل تمام‌عیار دولت بر مردم و نادیده انگاشتن حقوق و آزادی‌های افراد را به دنبال دارد.

## منابع

### الف - فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام؛ *جرم‌شناسی پیشگیری*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲. \_\_\_\_\_؛ *پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۳. افراسیابی، علی؛ زارع مهدوی، قادر؛ «تأثیر مدل‌های سیاسی بر مدل‌های پیشگیری از جرم با تأکید بر مدل‌های معاصر»، *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۳۸۸، شماره ۱۳.
۴. ایروانیان، امیر؛ *نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش*، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵. انصاری، منصور؛ *هانا آرنه و نقد فلسفه سیاسی*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۶. آنسل، مارک؛ *دفاع اجتماعی*، مترجمان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۷. جندلی، منون؛ *درآمدی بر پیشگیری از جرم*، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۸. دل‌ماس - مارتی، می‌ری؛ *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

۹. رایجیان اصلی، مهرداد؛ «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۳، شماره ۴۸ و ۴۹.
۱۰. رحمانیان، حامد؛ و حبیب‌زاده، جعفر؛ «بزارگرایی کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص‌ها»، فصلنامه حقوق کیفری، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۵.
۱۱. رستمی، ولی؛ مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، شماره ۲.
۱۲. صفاری، علی؛ «مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی»، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۳. طاهری، سمانه؛ «سیاست کیفری سختگیرانه»، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۴. ظهیری نژاد ارشادی، مینا؛ «کره شمالی»، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۵. عالم، عبدالرحمن؛ «تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عصر جدید و سده نوزدهم»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۱۶. غلامی، حسین؛ «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۷. کلارک، رونالد؛ «پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه علی افراسیابی، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
۱۸. کلارک، رونالد؛ و فلسون، مارکوس؛ «اخلاق پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه محمد قورچی بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۸، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۹. لازرژ، کریستین؛ «درآمدی بر سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
۲۰. مین وویون؛ «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیتز: جرم و مجازات در کره شمالی»، مترجم: حسین غلامی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، ۱۳۹۰، شماره ۱۹.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی»، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۲۲. \_\_\_\_\_؛ «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا»، دیباچه در: کریستین لازرژ؛ درآمدی بر سیاست جنایی، انتشارات میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ «سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها»، دیباچه در: می‌ری دل‌ماس - مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲۴. \_\_\_\_\_؛ «تقریرات درس جرم‌شناسی، از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی»، دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

۲۵. \_\_\_\_\_؛ تقریرات درس سیاست جنایی، (سیاست جنایی عوام‌گرا)، دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال اول، ۱۳۸۹. قابل دسترسی در: <http://Lawtest.ir>
۲۶. \_\_\_\_\_؛ تقریرات درس سیاست جنایی، دوره دکتری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش هفتم، ۱۳۸۲. قابل دسترسی در: <http://Lawtest.ir>
۲۷. نجفی توانا، علی؛ و شاطری‌پور اصفهانی، شهید؛ «پیشگیری اجتماعی از جرم در پرتو تحولات ناشی از جهانی شدن فرهنگ»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱، شماره ۴.
۲۸. وایت، رابرت؛ «وضعیت پیشگیری از جرم، مدل‌ها، شیوه‌ها و ملاحظات سیاسی»، مترجمان: شهرداد دارابی و قادر زارع مهدوی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۳۹۱، شماره ۱۱.

#### ب- لاتین

29. Gadd, David, Jefferson, Tony; 2007, *Psychisocial criminology*, SAGE, 1<sup>st</sup> edition, U. K.
30. Hebberecht, Patrick; 2009, "Crime prevention at the Belgian federal level: from a social democratic policy to a neo – liberal & authoritarian policy in a social democratic context", in crime prevention policies comparative erspective, edited by Adam Crawford.
31. Garland david; 2002, *The culture of control oxford*, oxford university press.
32. Shaw, Margaret; 2009, "International Models Of Crime Prevention", in crime prevention policies comparative erspective, edited by Adam Crawford.
33. Wyvekens, Anne; 2009, "The Evolving Story Of Crime Prevention in France", in crime prevention policies comparative erspective, Edited by Adam Crawford.